

## عزاداری و سوگواری در ادیان ابراهیمی

### گروه ادیان - جمال فلاح

انسان به طور طبیعی در برخی از موانع مانند مرگ دوستان و بستگان نزدیک و یا رهبران دینی و ملی و با مصیبت فردی یا اجتماعی غمگین شده و به سوگ می‌نشیند. یکی از مهم‌ترین این موارد غم و اندوه دینی است که حالت تأثر روانی آن با اندوه شخصی از نظر محتوا و انگیزه تفاوت دارد در ادیان مخصوصاً ادیان ابراهیمی این مسئله نهادینه شده و در قالب یک مراسم دینی خود را نشان می‌دهد. که شاید بتوان ادعا کرد در طول تاریخ هیچ چیزی را نمی‌توان یافت که به میزان «عزاداری» توانسته باشد نقش اصلی در اطلاع‌رسانی را ایفا کند و یک واقعه تاریخی را قرن‌ها بعد همچنان زنده نگه داشته و آثار و پیامدها و پیام‌های آن را به نسل‌های آینده منتقل کرده و سالیان متمادی با وجود همه فشارها و خفقان‌ها، استمرار یافته و هم‌اکنون نیز در مقابل حمله‌های گسترده رسانه‌ای دشمن مقاومت کرده و از پای نایستاده باشد.

### عزاداری در دین یهود

در دین یهود مراسم سوگواری علاوه بر مرگ دوستان و خویشان برای مناسبت‌های از قبیل رحلت حضرت موسی و دیگر انبیاء، مصائب بنی‌اسرائیل، تخریب بیت المقدس و قتل و کشتار یهودیان برگزار می‌شود که برخی از این‌ها ریشه در کتاب مقدس دارد که عهد عتیق به موارد متعددی از سوگ و عزا اشاره می‌نماید و به خصوص صحیفهٔ مراثی ارمیا نبی که حاوی نمونه‌ای از این حالت است.

#### 1. مرگ ساره همسر ابراهیم.

«و ایام زندگانی ساره صد و بسیت و هفت سال بود. این است سال‌های عمر ساره و ساره «قریه اربع که جرون باشد در زمینی کنعان مرد و ابراهیم آمد تا برای ساره ماتم و گریه کند»<sup>۱</sup>

## 2. آگاه شدن داوود از مرگ شائول

«آنگاه داوود و همراهانش جامه خود را پاره کردند و برای شائول و یوناتان، برای اسرائیل و سپاه خداوند گریستند و عزاداری کرده، تا شام روزه گرفتند زیرا بسیاری از آن‌ها در جنگ کشته شده بودند».<sup>۲</sup>

## 3. مرگ اوریا

«چون زن اوریا شنید که شوهرش اوریا مرده است، برای شوهر خود ماتم گرفت».<sup>۳</sup>

## 4. وفات یعقوب

«و یوسف بر روی پدر خود افتاده، بر وی گریست و او را بوسید. و یوسف طیبانی را که از بندگان او بودند، امر فرمود تا پدر او را حنوط کنند. و طیبیاناسرائیل را حنوط کردند و چهل روز در کار وی سپری شد، زیرا که این قدر روزها در حنوط کردن صرف می‌شد و اهل مصر هفتاد روز برای وی ماتم گرفتند»<sup>۴</sup>

## 5. رحلت هارون

«و چون تمامی جماعت دیدند که هارون مُرد، جمیع خاندان اسرائیل برای هارون سی روز ماتم گرفتند».<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup>. کتاب مقدس، پیدایش 23: 1 و 2.

<sup>۲</sup>. همان، دوم سموئیل 1: 11 و 12.

<sup>۳</sup>. همان، دوم سموئیل 11: 26.

<sup>۴</sup>. همان، پیدایش 50: 1 و 2 و 3.

<sup>۵</sup>. همان، اعداد 29: 20.

## 6. رحلت موسی

«و موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت، و نه چشمش تار، و نه قوتش کم شده بود. و بنی اسرائیل برای موسی روز ماتم گرفتند، پس روزهای ماتم و نوحه‌گری برای موسی سپری گشت»<sup>۱</sup>

## 7. ماتم یعقوب 7 به خاطر یوسف 7

«و یعقوب رخت خود را پاره کرده، پلاس در بر کرد، و روزهای بسیار برای پسر خود مات گرفت و همه پسران و همه پیروانش به تسلی او برخاستند. اما تسلی نپذیرفت و گفت: «سوگوار نزد پسر خود به گور فرود می‌روم.» پس پدرش برای وی همی‌گریست»<sup>۲</sup>.

## 8. مراثنی ارمیا نبی

یکی از پرسوز و گدازترین موارد سوگواری در کتاب مقدس گریه و ماتم برای تخریب اورشلیم است که در کتاب مراثنی ارمیا آمده است. کتاب مراثنی ارمیا نثر و ترکیبات شاعرانه‌ایست که عملاً می‌توان آن را معادل مدح و ثناگوئی معاصر دانست که توسط ارمیا انشاء شده است.

ارمیا سخن از قشر خاصی از زنان می‌گوید که اشعار مراثنی و حزن‌انگیز انشاء کرده و می‌خوانده‌اند. «یهوه صباوت چنین می‌گوید: «تفکر کنید و زنان نوحه‌گر را بخوانید تا بیایند و در پی زنان حکیم بفرستید تا بیایند و ایشان تعجیل نموده، برای ما ماتم برپا کنند تا چشمان ما اشک‌ها بریزد و مژگان ما آب‌ها جاری سازد زیرا که آواز نوحه‌گری از صیهون شنیده می‌شود که چگونه غارت شدیم و چه بسیار خجل گردیدیم چونکه زمین را ترک کردیم و مسکن‌های ما، ما را بیرون انداخته‌اند پس ای زنان، کلام خداوند را بشنوید و

<sup>۱</sup>. همان، تنبیه 34: 7 و 8.

<sup>۲</sup>. همان، پیدایش 37: 34 و 35.

گوش‌های شما کلام دهان او را بپذیرد و شما به دختران خود نوحه‌گری را تسلیم دهید و هر زن به همسایه خویش را ماتم را...»<sup>۱</sup>

### نحوه عزاداری و سوگواری در کتاب مقدس

در کتاب مقدس به روش‌های مختلفی برای اظهار ماتم و سوگ اشاره شده است که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

1. لباس پاره کردن.<sup>۲</sup>

2. پلاس‌پوشی.

3. خاکریزی بر سر: یکی از انواع آداب عزا که در یهودیت اخیر نیز باقی مانده است خاک بر سر ریختن است.

«و یوشع و مشایخ اسرائیل جامه خود را چاک زده پیش تابوت خداوند تا شام رو به زمین افتادند و خاک بر سرهای خود پاشیدند».<sup>۳</sup>

4. سینه‌زدن: اِشِیعا عزادار با وصف سینه‌زنی توصیف می‌نماید: «برای مزرعه‌های دلپسند و موهای بارور سینه خواهد زد».<sup>۴</sup>

5. هوار هوار کردن: شیوه دیگر ابزار اندوه و سوگواری وای وای کردن است:

«بنابراین، خداوند یهوه خدای لنگرها چنین می‌گوید: در همه چهارسوها نوحه‌گری خواهد بود و در همه کوچه‌ها وای وای خواهند گفت و فلّامان را برای ماتم و آنانی را که مرثیه‌خوانی آموخته شده‌اند. برای نوحه‌گری خواهند خواند».<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup>. همان، ارمیا 9: 17 و 18 و 19 و 20.

<sup>۲</sup>. همان، پیدایش 37: 34 و 35.

<sup>۳</sup>. همان، پیدایش 37: 34.

<sup>۴</sup>. همان، یوشع 6: 7 و دوم سموئیل 13: 19.

<sup>۵</sup>. همان، عاموس 5: 16.

## مدت زمان سوگواری در یهود

زمان خاص سوگواری در کتاب مقدس صرفاً در ارتباط با زن اسیر غیر یهودی قید شده است. «پس او را به خانه خود ببرد و او سر خود را بتراشد و ناخن خود را بگیرد. درخت اسیری خود را بیرون کرده، در خانه تو بماند، و برای پدر و مادر خود یک ماه ماتم گیرد».<sup>۱</sup> اما در کتاب مقدس نمونه‌هایی از زمان عزاداری ذکر شده است که کتاب مقدس به آن دستور نمی‌دهد بلکه بیانگر نوعی سنت می‌باشد.

1. به مدت هفت روز: دوستان ایوب برای هفت روز عزاداری کردند. «و چون چشمان خود را از دور بلند کرده، او را نشناختند، آواز خود را بلند نموه، گریستند و هریک جامه خود را دریده، خاک بسوی آسمان بر سر خود افشاندند. و هفت روز و هفت شب همراه او بر زمین نشستند و کسی با وی سخن نگفت چونکه دیدند که درد او بسیار عظیم است»<sup>۲</sup>

2. به مدت سه هفته: «من دانیال، وقتی این رؤیا را دیدم، سه هفته ماتم گرفتم. در این مدت نه غذای کافی خوردم و نه لب به گوشت و شراب زدم و نه موی خود را شانه کردم...»<sup>۳</sup>

3. به مدت سی روز: «وقتی بنی اسرائیل از مرگ هارون خبر شدند، مدت سی روز برای او عزاداری کردند».<sup>۴</sup>

- «موسی در سن صد و بیست سالگی درگذشت... قدم اسرائیل برای او سی روز در دشت‌های موآب سوگواری کردند».<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup>. همان، تثنیه 21: 12 و 13.

<sup>۲</sup>. همان، ایوب: 2: 12 و 13.

<sup>۳</sup>. همان، دانیال 10: 1 و 2.

<sup>۴</sup>. همان، اعداد 20: 29.

<sup>۵</sup>. همان، تثنیه 34: 7 و 8.

«یعقوب از غصه لباس خود را پاره کرد و لباس سوگواری پوشید و مدت درازی برای پسرش ماتم گرفت»<sup>۱</sup>

- «افرایم - پدرشان - برای چندین روز به خاطر آن‌ها سوگواری کرد و برادرانش برای تسلیت او آمدند»<sup>۲</sup>

اما مدت زمان سوگواری در یهودیت متأخر، هفت روز مبتنی بر عزاداری پسران یعقوب است.<sup>۳</sup> «پس به خرمنگاه اطاد که آن طرف اردن است رسیدند، و در آن‌جا ماتمی عظیم و بسیار سخت گرفتند، و برای پدر خود هفت روز نوحه‌گری نمود»<sup>۴</sup>

خام‌خام‌ها، چهار مرحله در ایام سوگواری متمایز نمودند.

1. آنی نوت (aninut): مرحله بین مرگ و تدفین

2. اولوت یاشوا (Avelat): هفت روز پس از دفین

3. شلوشیم (yahzeit): به معنای سالگرد

در یهود چون گستردگی و شدت عزاداری بستگی به نزدیکی ارتباط مرده با بازمانده دارد بنابراین هریک از مراحل چهارگانه با توجه به شدت و ضعف عزا به وجود می‌آید و احکام مخصوص به خود دارد. مثلاً عزاداری برای پدر و مادر شدیدتر است و فرزندان باید احکام عزاداری را تا پایان سال بعد از دفن رعایت کنند.<sup>۵</sup>

### سه هفته سوگواری در یهود

---

<sup>۱</sup>. همان، پیدایش 37: 34.

<sup>۲</sup>. کتاب مقدس، اول تواریخ 7: 22.

<sup>۳</sup>. مقاله آیین‌های عزا و سوگواری در دین یهود (سوگواری یهوه)، اخبار، ادیان، شماره 18، ص 49.

<sup>۴</sup>. همان، پیدایش 50: 10.

<sup>۵</sup>. باورها و آیین‌های یهودی، ص 251 و 252.

همانطور که در مقدمه بحث گفتیم هیچ چیز مانند عزاداری نمی‌تواند آنچه در عرصه تاریخ رخ داده است را زنده نگه دارد و نقش اطلاع‌رسانی را برای نسل‌های آینده ایفا کند و آثار و پیامدهای آن را به نسل‌های آینده منتقل کند.

یکی از مراسم دینی و ملی یهود سوگواری شدیدی است که به یاد خرابی معبد اول و دوم در آخرین بخشی از سال دینی یهودیان که به ماه اَلُول و به دنبال آن عید سال نو است برپا می‌شود این دوره خلاصه‌ای از تمامی تجربه‌هایی است که یهودیان در تبعید گرفتار رنج آن‌ها بوده‌اند این دوره با روزه هفدهم تموز (که معمولاً ژولای یا تیرماه قرار می‌گیرد) شروع می‌شود.

بر اساس تفاسیر خاخامی این همان «روزه چهارم» است که زکریای نبی از آن یاد کرده است.<sup>۱</sup>

«یهوه صبايوت چنین می‌گوید: روزه ماه چهارم و روزه ماه پنجم و روزه ماه هفتم و روزه ماه دهم برای خاندان یهودا به شادمانی و سرور و عیدهای خوش مبدل خواهد شد. پس راستی و سلامتی را دوست بدارید.

یهوه صبايوت چنین می‌گوید: بار دیگر واقع خواهد شد که قوم‌ها و ساکنان شهرهای بسیار خواهند آمد و ساکنان یک شهر به شهر دیگر رفته، خواهند گفت: بیایید برویم تا از خداوند مسألت نماییم و یهوه صبايوت را بطلبیم و من نیز خواهم آمد. و قوم‌های بسیاری و امت‌های عظیم خواهند آمد تا یهوه صبايوت را در اورشلیم بطلبند و از خداوند مسألت نمایند و...»<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>. همان، ص 298.

<sup>۲</sup>. کتاب مقدس، زکریای نبی: 8: 19 - 21.

فلسفه عزاداری در سه هفته آخر سال یهود، یادآوری تلخی و رنجی است که یهودیان در طی قرون و اعصار کشیده‌اند. صهیون و اورشلیم با چشمانی اشکبار به یادها آورده می‌شود اما در عین حال امید به آینده در سال آینده همچنان که زکریای نبی گفته است این تلخی‌ها به شادی تبدیل بشود و این دگرگونی رخ نخواهد داد مگر به بازگشت منجی به اورشلیم.

«خداوند چنین می‌گوید: به صهیون مراجعت نموده‌ام و در میان اورشلیم ساکن خواهد شد و اورشلیم به شهر حق و کوه یهوه صباوت به کوه مقدس مسمی خواهد شد.»<sup>۱</sup>

یا در جای دیگر می‌فرماید:

«ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده! اینک پادشاه نزد تو می‌آید. او عادل و صاحب بغات و حلیم می‌باشد و بر الاغ و بر کره بچه الاغ سوار است.»<sup>۲</sup>

بنابراین ما یهودیان هرگز از این همه غم و ماتم خلاص نمی‌شویم مگر این که به اورشلیم برگردیم و اورشلیم به دست ما یهودیان آباد نمی‌شود مگر به ظهور ماشیح.

#### عزاداری در مسیحیت

عزاداری در مسیحیت ریشه در کتاب مقدس نمونه‌ای از عزاداری‌های که به خاطر فقدان دوستان و عزیزان یا به خاطر وارد شدن بلایی بر مردم یا به خاطر رنج و محنتی که به رهبران دینی یا ایمانداران رسیده است را بیان می‌کند.

نمونه‌ای از سواگواری‌هایی که کتاب مقدس به آن اشاره می‌کند.

1. پیشگویی عیسی نسبت به قومش:

---

<sup>۱</sup>. همان، زکریای نبی، 8:3.

<sup>۲</sup>. همان، 9:9.



«یقین بدانید که شما اشک خواهید ریخت و ماتم خواهید گرفت ولی جهان شادی خواهد کرد. شما غمگین خواهید شد ولی غم شما به شادی مبدل خواهد گشت».<sup>۱</sup>

2. پیشگویی ارمیای نبی نسبت به رفتار بی رحمانه هیرودیس در مورد طفلان:

«صدای گریه و ماتم از رame به گوش می رسد. راحیل برای فرزندانش می گرید و آرام نمی گیرد چون فرزندانش مرده اند».<sup>۲</sup>

3. مزاحمت شائول به قتل استیفان:

«شائول جز کسانی بود که با قتل استیفان موافقت کرده بودند. در همان روز جفای سختی به کلیسای اورشلیم شروع شد و همه ایمانداران به جز رسولان به نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند گروهی از نیکوکاران جسد استیفان را به خاک سپردند و سوگواری برزگی برای تربیت دادند».<sup>۳</sup>

4. افطار به ثروتمندان:

کتاب مقدس نه تنها ماتم و سوگواری را جایز می داند بلکه در بعضی از موارد به آن امر فرموده است.

«و شما ای ثروتمندان، برابر بلاهایی که بر سر شما می آید، گریه و زاری کنید».<sup>۴</sup>

5. به صلیب کشیدن عیسی<sup>7</sup>

یکی از عزاداری هایی که کتاب مقدس به آن اشاره می کند و جزئی عزاداری ای رسمی و دینی و ملی در مسیحیت قرار گرفته و هنوز هم رونق خاصی در جامعه مسیحیت دارد عزاداری برای به صلیب کشیدن حضرت عیسی<sup>7</sup> است.

---

<sup>۱</sup>. همان، انجیل یوحنا 16: 20.

<sup>۲</sup>. همان، انجیل متی 2: 18.

<sup>۳</sup>. همان، اعمال رسولان 8: 1 و 2.

<sup>۴</sup>. همان، رساله یعقوب 1: 5.

وقتی یهودیان از دست عیسی به پادشاه وقت (پیلاتوس) شکایت کردند و پیلاتوس به درخواست آن‌ها، حکم اعدام عیسی<sup>7</sup> را صادر کرد... سربازان رومی، عیسی را بردند. هنگامی که می‌رفتند مردی به نام «شمعون قیروانی» را که از مزرعه به شهر بازمی‌گشت مجبور کردند که صلیب عیسی را بردارد و بدنبال او ببرد. جمعیتی انبوه در پی او براه افتادند و زنان بسیاری نیز در میان آنان برای او گریه و ماتم می‌کردند و به سینه خود می‌زدند.

عیسی روبه این زنان کرد و گفت «ای دختران اورشلیم برای من گریه نکنید به مال خود و فرزندانان گریه کنید چون روزهایی می‌آید که مردم خواهند گفت خوشا به حال زنان بی‌اولاد و آرزو خواهند کرد که کوه‌ها و تپه‌ها برایشان افتاده، پنهانشان کنند زیرا اگر شخص بی‌گناهی مانند من، اینگونه مجازات شود، مجازات افراد خطاکار و گناهکار، همچون نسل شما، چه خواهد بود.<sup>1</sup>

نه تنها مردم موقع به صلیب کشیدن حرت عیسی<sup>7</sup> عزاداری می‌کردند بلکه این عزاداری‌ها ادامه داشت تا موقعی که حضرت عیسی<sup>7</sup> جان داد.

وقتی عیسی بر صلیب قرار گرفت اتفاقات عجیبی مانند تاریک شدن هوا به مدت سه ساعت، دو تکه شدن پرده‌ خانه خدا و... صورت گرفت سپس عیسی با صدای بلند گفت: «ای پدر، روح خود را به دست‌های تو می‌سپارم.» این را گفت و جان سپرد... .

کسانی که برای تماشا گردآمده بودند، وقتی این اتفاقات را دیدند، اندوهگین شدند و سینه‌زنان به خانه‌های خود بازگشتند.<sup>2</sup>

و حتی این سوگواری‌ها و عزاداری‌ها ادامه داشت تا زمانی که خبر زنده‌شدن حضرت عیسی<sup>7</sup> را دادند.

---

<sup>1</sup>. همان، انجیل لوقا 23: 31-24.

<sup>2</sup>. همان، انجیل لوقا 44: 23-49.

اولین کسی که او را دید مریم مجدلیه بود، که عیسی از وجود او هفت روح ناپاک بیرون کرده بود او نیز رفت و به شاگردان که گریان و پریشان حال بودند، مژده داد که عیسی را زنده دیده است. اما ایشان سخناو را باور نکردند...»<sup>۱</sup>

امروزه هم مسیحیان در روزی به نام جمعه الصلیب که به عقیده آنان عیسی را به صلیب کشیدند و به دست و پایش میخ کوبیدند گردهم جمع می‌شوند و به یاد آن روز به عزاداری می‌پردازند.

مسیحیان به خاطر اعتقادی که به مسیح مصلوب دارند هر ساله در روز صلیب کشیدن عیسی سعی می‌کنند با ریختن خون خود، خود را به شباهت عیسی مسیح درآورند تا از این طریق شدت درد و ناراحتی را که مسیح تحمل کرده برای خود بازسازی کنند.

آنان معتقدند مسیحی واقعی کسی است که «همه چیز خود مانند عیسی مسیح باشد چه در حرف‌هایی که عیسی مسیح زده، چه کارهایی که کرده، چه دردهایی که تحمل کرده، و آن‌ها با این نوع عزاداری سعی می‌کنند خود را به عنوان پیروانی که حتی حاضرند برای عیسی مسیح خون خود را بدهند نشان دهند.

#### نمونه‌ای از عزاداری‌های مسیحیان و همدردی کردن آن‌ها با حضرت مسیح(ع)

1. به صلیب کشیدن خود به نحوی که بدن خود را به صلیب میخ‌کوب می‌کنند و جراحاتی بر بدن خود ایجاد می‌کنند تا بدن خون‌آلود شود.
  2. خونین کردن بدن با اشیاء برنده در ایام و اماکن مقدس
  3. بوسیدن و حتی لیسیدن اشیاء و اماکن مقدس
  4. راه‌اندازی دسته‌جات عزاداری برای مسیح و جمع‌آوری نذورات... .
- مسیحیان با راه انداختن این دسته‌جات عزاداری‌های مختلفی را از خود نشان می‌دهند.

---

<sup>۱</sup>. همان، انجیل مرقس 16: 9-12.

1. عزاداران برای حضرت مسیح<sup>7</sup> یک تابوت نماد پس از مسیح را درست کرده آن را در خیابان‌ها و کوچه‌ها تشیع می‌کنند و به تابوت نمادین او تبرک می‌جویند.
2. مراسم زنجیرنی: در این مراسم مسیحیان به واسطهٔ چند چوب زبر به هم پیوسته که شبیه زنجیر عزاداری شیعیان است بر کتف و کمر خویش می‌کوبند و بدن خود را مجروح می‌کنند.
3. حمل صلیب: در این مراسم یکی از مسیحیان به یاد شمعون قیروانی، صلیب را حمل می‌کند و دیگران به خاطر ثواب حامل صلیب را تا حد مرگ می‌زنند و از این طریق به مسیح تقرب می‌جویند.
4. مراسم تعزیه‌خوانی: در این مراسم، جریان به صلیب کشیدن عیسی<sup>7</sup> برای مردم بازسازی می‌شود.

#### فلسفهٔ عزاداری مسیحیان برای حضرت مسیح<sup>7</sup>

مسیحیان معتقدند که بواسطهٔ این عزاداری‌ها می‌توانند یاد کسی را که برای نجات انسان‌ها آمده و خود را فدا گناه این انسان‌ها کرده را زنده کنند آن‌ها معتقدند بدین وسیله می‌توانند سنت مسیح را به نسل‌های آینده انتقال دهند و از جمله آن‌ها تشکیل سلطنت الهی در آخرالزمان خواهد بود که این مسئله محقق نمی‌شود مگر این‌که عیسی ظهور کند و این ظهور بعد از یک دورهٔ تاریکی و ظلمت در دنیا رخ خواهد داد.

کتاب مقدس به نقل از عیسی در پیشگوئی خرابی معبد بزرگ اورشلیم می‌گوید: «در حالی که عیسی از معبد بزرگ خارج می‌شود، شاگردانش توجه او را به بناهای معبد بزرگ جلب نموده عیسی به آن‌ها گفت: آیا این بناها را نمی‌بینید؟ یقین بدانید که هیچ سنگی از آن سنگ دیگر باقی نخواهد ماند. بلکه همه فرو خواهد ریخت...»

عیسی در ادامه می گوید: «زمانی می آید که شما صدای جنگ‌ها را از نزدیک و اخبار مربوط به جنگ در جاهای دور را خواهید شنید هراسان نشوید چنین وقایعی باید رخ دهد، اما پایان کار هنوز نرسیده است زیرا ملتی با ملت دیگر و دولتی با دولت دیگر جنگ خواهد کرد و قحطی و زمین‌لرزه‌ها در همه‌جا پدید خواهد آمد....».

عیسی در ادامه خیلی از وقایعی که در آخرالزمان و قبل از ظهور او رخ می‌دهد را بیان می‌کند و بعد از آن می‌فرماید:

«به محض آن‌که مصیبت آن روزها به پایان برسد، خورشید تاریک خواهد شد و ماه دیگر نور نخواهد داد، ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت و قدرت‌های آسمانی متزلزل خواهند شد پس از آن، علامت پسر انسان در آسمان ظاهر می‌شود و همه ملل عالم سوگواری خواهند کرد و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم برابره‌های آسمان می‌آید».<sup>۱</sup>

یا در جایی دیگر در موعظه سر کوه می‌فرماید: وقتی عیسی جمعیت زیادی را دید، به بالای کوهی رفت و در آن‌جا نشست و شاگردانش به نزد او آمدند و او دهان خود را گشوده به آنان چنین تعلیم داد:

خوشا به حال کسانی که از فقر روحی خود آگاهند زیرا، پادشاهی آسمان از آن ایشان است.

خوشا به حال ماتم‌زدگان، زیرا ایشان تسلی خواهد یافت.

خوشا به حال فروتنان، زیرا ایشان مالک جهان خواهند شد....»<sup>۲</sup>

عزاداری در اسلام

---

<sup>۱</sup>. همان، متن 24: 30-1.

<sup>۲</sup>. همان، متی 5: 1-5.

سابقه عزاداری در اسلام به عهد رسول خدا<sup>6</sup> برمی گردد. و از اخبار برمی آید که پیامبر<sup>6</sup> نیز بر آن تأکید می کردند و در برگزاری آن همت می گماشتند.

نقل و گزارش بخشی از زندگی پیامبر که مربوط به تأثرات روحی آن حضرت هنگام روبرو شدن با حوادث تأثیر برانگیز می شود می تواند ما را در رسیدن به مقصود کمک کند.

### نمونه‌ای از عزاداری‌های پیامبر<sup>6</sup>

1. گریه پیامبر در شهادت حضرت حمزه سلام الله علیه

رسول خدا<sup>6</sup> در شهادت عموی خویش بسیار غمگین شد و او را سیدالشهداء نامید و در فراقش گریست.

در جنگ أحد خبر شهادت حمزه عموی رسول خدا<sup>6</sup> تأثیری شگرف بر قلب و روح آن حضرت گذاشت زیرا یکی از بزرگ‌ترین مدافعان مکتب توحید و حامیان خویش را از دست داده بود.

حلبی در سیره خود می نویسد: پیامبر چون پیکر خونین حمزه را یافت گریست و چون از مثله کردن او آگاهی یافت با صدای بلند گریه سر داد.<sup>۱</sup>

این گریه و ناله از سوی آن حضرت برای عزای عمویش حمزه آن قدر شدید بوده است که ابن مسعود می گوید:

ندیدم پیامبر بر کسی گریه کند. آن گونه که با شدت در شهادت عمویش حمزه اشک می ریخت، بدن حمزه را به طرف قبله قرار داد سپس کنار آن قرار گرفته و با صدای بلند گریه کرد تا حال غش به آن حضرت دست داد...<sup>۲</sup>.

---

<sup>۱</sup>. تاریخ الطبری، ج 2، ص 39.

<sup>۲</sup>. همان، ج 2، ص 323 و ص 324.

اما اصل جریان گریه رسول خدا<sup>6</sup> بر حمزه این جا آغاز شد که رسول خدا<sup>6</sup> در بازگشت از احد صدای گریه را از خانه‌های مردم مدینه بر شهدا، شنید:

«رسول خدا<sup>6</sup> از کنار خانه‌هایی از انصار و بنی عبدالاسهل و بنی ظفر، عبور می‌کردند که صدای بکاء و نوحه بر کشته‌گان خودشان را شنیدند. چشمان رسول خدا<sup>6</sup> پر از اشک شد و فرمود عمویم حمزه گریه کن ندارد. و چون سعد بن معاذ و اسیر بن حضیر به خانه‌های بنی عبدالاسهل بازگشتند زنانشان را امر کردند تا غم و اندوه خود را در سینه‌ها حبس کنند و ابتدا برای عموی رسول خدا<sup>6</sup> عزاداری کنند».<sup>1</sup>

## 2. گریه پیامبر<sup>6</sup> در شهادت جعفر بن ابی‌طالب<sup>7</sup>

رسول خدا<sup>6</sup> با شنیدن خبر شهادت جعفر بن دیدن فرزندانش رفت، وقتی وارد خانه شد فرزندان جعفر را صدا زد، آنان را می‌بوئید در حالی که اشک از چشمان مبارکش جاری بود. اَسْمَاء، همسر جعفر احساس کرد که برای همسرش اتفاق افتاده است. لذا سؤال کرد. پدرم و مادرت فدایت شود آیا از جعفر و یارانش خبری شنیده‌ای؟ پیامبر فرمود بلی، امروز به شهادت رسیده‌اند.

اسماء فریادش بلند شد. زن هادورش حلقه زدند، فاطمه زهرا<sup>3</sup>، وارد منزل شد و گریه می‌کرد و می‌فرمود وای عمویم!

پیامبر فرمود: گریه‌کنندگان باید بر همانند جعفر گریه کنند.<sup>2</sup>

## 3. گریه پیامبر بر شهادت زید بن حارثه

---

<sup>1</sup>. مسکن الفواد، ترجمه جناتی، ص 259.

<sup>2</sup>. تاریخ الطبری، ج 2، ص 443 و 444.

زمانی که خبر شهادت زید اعلام شد رسول خدا<sup>6</sup> به منزل وی تشریف برد، دختر زید با دیدن پیامبر اکرم بغض گلویش را گرفت و بلند بلند گریه کرد، پیامبر هم گریه کرد، سؤال کردند چرا گریه می کنید؟ فرمود: علاقه و محبت دوست است به دوست.<sup>1</sup>

#### 4. گریه پیامبر در مرگ فرزند خویش ابراهیم

پیامبر<sup>6</sup> در مرگ فرزند خردسالش گریان بود که عبدالرحمان بن عون از گریه حضرت تعجب کرد، عرض کرد: آیا شما هم در مرگ فرزند گریه می کنید؟ حضرت فرمود ای پسر عوف، اشک ریختن در مرگ فرزند لطف و رحمت خداوند است. سپس فرمود: چشم گریه می کند، و دل غمگین و محزون می شود، ولی سخنی نمی گوئیم مگر آنچه که خدا را راضی کند، ای ابراهیم ما در فراق تو محزون و غمگین هستیم.<sup>2</sup>

5. گریه و حزن پیامبر<sup>6</sup> به خاطر ابوطالب و خدیجه<sup>3</sup> در سال های هفتم و هشتم بعثت ابوطالب عموی پیامبر<sup>6</sup> و خدیجه<sup>3</sup> همسر پیامبر<sup>6</sup> از دار دنیا رفتند و پیامبر در سوگ آنها نشست و این قدر این ساله برای پیامبر<sup>6</sup> سال حزن و اندوه بود که پیامبر آن را عالم الحزن نامید.<sup>3</sup>

#### سوگ و عزاداری فاطمه<sup>3</sup> در فراق پدر

امام صادق<sup>7</sup> می فرماید: فاطمه<sup>3</sup> پس از رحلت پیامبر<sup>6</sup>، هفتاد و پنج روز در حزن و اندوه شدید زندگی کرد.<sup>4</sup>

یا حضرت علی<sup>7</sup> به مرد یهود می فرماید: ... اما پس از وفات پیامبر<sup>6</sup> آنچنان اندوهی به من هجوم آورد که گمان آن را نمی بردم، اگر بر کوه ها وارد می شد، آنها را از جایشان می کند،

<sup>1</sup>. مکارم الاخلاق، ج 1، ص 43.

<sup>2</sup>. احتجاجات (ترجمه جلد 9 بحار الانوار)، ج 2، ص 31.

<sup>3</sup>. قصص الانبیاء، ص 673.

<sup>4</sup>. بحار الانوار، ترجمه روحانی، ج 43، ص 273.



به اهل بیت نگاه می‌کردم، دیدم جز گریه و حزن کاری از آن‌ها ساخته نیست و نمی‌توانید گوشه‌ای از این بار سنگین را حمل کنند، و صبرشان به پایان رسیده و اندوه درگذشت پیامبر 6 عقلشان مقهور خود ساخته و میان آن‌ها و فهم و قول و استماع سخن، جدایی انداخته است...<sup>۱</sup>.

در روایت است که امام باقر 7 وصیت فرمود که تا ده سال (از مال آن حضرت مبلغی قرار دهند) که در موسم‌های بعمل بدهند و ایشان بر آن حضرت نوحه و عزاداری کنند تا ده سال بسر آید.<sup>۲</sup>

یکی از عزاداری‌های مهم در سطح جهان اسلام عزاداری برای مصیبت‌های ائمه معصومین: بالخصوص امام حسین 7 می‌باشد که ائمه معصومین: سفارش به بزرگواری چنین مراسمی و رونق دادن آن کرده‌اند.

در یک روایتی امام رضا 7 می‌فرماید هرکس مصیبت ما را ذکر نماید و بگرید بر آنچه بر ما وارد شده (از دشمنان) روز قیامت با ما و در درجهٔ ماست، و کسیکه ذکر نماید مصیبت ما (خاندان نبوت) را و بگرید و دیگران را هم بگریاند دیده‌اش گریان نشود روزی که دیده‌ها گریان است، و هرکس بنشیند در مجلسی که امر ما در آن‌جا زنده می‌شود دل او نمی‌میرد روزی که دل‌ها می‌میرد.<sup>۳</sup>

یا در روایت دیگری امام صادق 7 به فضیل بن یسار فرمود: ای فضیل آیا می‌نشینید و حدیث می‌گوئید برای یکدیگر؟ عرض کرد: بلی فدایت شوم فرمود به درستی که من آن مجلس‌ها را دوست می‌دارم پس زنده گردانید امر ما را، ای فضیل! خداوند رحمت کند

---

<sup>۱</sup>. ارشاد القلوب، ترجمه سلگی، ج 2، ص 255.

<sup>۲</sup>. من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج 1، ص 265.

<sup>۳</sup>. ابالامالی (للصدوق) ترجمه کمره‌ای، مجلس 17، ص 73.

هرکس امر ما را زنده کند یا در نزدش یاد شویم پس از چشمش مانند بال مگس اشک بیرون شود، خداوند برایش می‌آمرزد گناهانش را اگرچه بیشتر از کف دریاها باشد.<sup>۱</sup>

اجر گریستن بر امام حسین: 7:

عن النبی 6 قال: «کل عین باکیه الّا عینُ بکت علی مصاب الحسین 7 فإنّها مناحکةٌ مستبشرة بنعیم الجنّة.

«هر چشمی (روز قیامت) گریان است مگر چشمی که بر مصیبت حسین 7 گریان شده آن روز مسرور بشاش است که بشارت بهشت به او می‌دهند.»<sup>۲</sup>

حضرت رضا 7 فرمود: محرم ماهی است که مردم جاهلیت جنگ را در آن حرام می‌دانستند و خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را در آن هتک کردند و ذراری و زنان ما را اسیر کردند و آتش به خیمه‌های ما زدند و هرچه در آنها بود چپاول کردند و حرمت رسول خدا را درباره ما مراعات نکردند، روز شهادت حسین 7 چشمان ما را آزرده کرد و اشک‌های ما را روان ساخت و عزیز ما را در کربلا خوار کرد و اندوه و بلا نصیب ما گشت تا روز قیامت، پس گریه‌کنندگان برمانند حسین باید گریه کنند برای این که گریه بر او گناهان بزرگ را می‌ریزد.<sup>۳</sup>

امروزه عزاداری سیدالشهداء یکی از پررونق‌ترین مراسم مذهبی در جهان تشیع بلکه جهان اسلام به شمار می‌رود و مرحوم عزادار به انواع مختلف ارادت خود را به ساحت قدسی آن جانب عرضه می‌دارند.

نمونه‌ای از روش‌های مختلف برای عزاداری سیدالشهداء

۱. بحارالانوار، ج 44، ص 282.

۲. همان، ص 293.

۳. الأملی (للصدوق) ترجمه، مجلس 27، ص 128.

1. مرثیه‌خوانی و شعر خوانی؛

2. زیارات

3. روضه و مقتل خوانی

4. تعزیه و شبیه‌خوانی

5. برپا کردن بیرق و علم

6. جامه سیاه پوشیدن و سیاهی زدن به تکایا و دیوارها؛

7. زنجیر زنی و سینه‌زنی و نخل‌برداری

8. گریه کردن

9. عدم برگزاری مراسم شادی

10. نذورات، قربانی و اطعام

چنین عزاداری‌هایی نوعاً با مجالس ذکر و موعظه همراه می‌باشد که مورد تأکید ائمه اطهار: می‌باشد که این‌که در روایت فضیل نسبت به مسئله «إحياء امر» آمد.

یا در روایت دیگری امام رضا<sup>7</sup> می‌فرماید هرکس مصیب ما را به یاد آورد و بگرید برای آنچه با ما در درجه ماست، و هرکس یاد مصیبت می‌کند و خود بگرید و بگریاند دیده‌اش گریان نشود روزی که همه دیده‌ها گریان است، هرکس بنشیند در مجلسی که امر ما در آن‌جا زنده می‌شود دل او نمی‌مرد روزی که دل‌ها می‌میرد.<sup>1</sup>

### فلسفه عزاداری

فلسفه همه این عزاداری‌ها زنده نگه داشتن مصائب اهل‌البیت: به خصوص امام حسین<sup>7</sup> و اهداف این بزرگواران می‌باشد و این‌که آن‌ها به واسطه ظلم و ستمی که در حقشان شد هیچ‌وقت به اهداف خود دست پیدا نکردند که این‌که امام صادق<sup>7</sup> می‌فرماید: هرکس در راه

---

<sup>1</sup>. امالی (للمصدق)، مجلس 17، ص 73.

ما به خاطر خونی که از ما ریخته شد، یا حقی که از ما تاراج رفته، یا پرده آبرو و حیثیتش که از ما یا یکی از شیعیان ما دریده گشته قطره اشکی بریزد بدین سبب خداوند متعال او را در بهشت جای دهد.<sup>۱</sup>

اما چون فقط امام حسین 7 در میان امامان قیام کردند و در مقابل ظلم و ستم ستمکاران قیام به سیف داشتند عزاداری‌های ایشان هم از سوز و گداز بیشتری برخوردار است. بنابراین از فراگیرترین فلسفه قیام امام حسین 7 را می‌توان مبارزه با ستمکاران و ستم‌ستیزی دانست. امام 7 هم ظلم را می‌شناسد و هم آن را می‌شناساند و هم با آن درگیر می‌شود و حاضر نمی‌شود در زیر یوغ ظالمان و پرچم آنان زندگی کند.

در مقابل عدل و انصاف را می‌فهمد و آن را تعلیم می‌دهد و برای گسترش عدل و حکومت عادلان، تلاش می‌کند و فریاد می‌زند: «یزید مرا میان دو کار قرارداد؛ شمشیر و ذلت، حسین هرگز تن به ذلت نخواهد داد.»

این ویژگی به دین مراسم و مسلک خاصی منحصر نیست و همه عدالت‌خواهان و آزادی‌جویان را در گستره خویش جای می‌دهد لذا فرموده «اگر چنین ندارید، آزاده باشید». عزاداری نیز برای زنده نگه داشتن این خصلت انسانی، و نمادیاست از خروش و خیزش بر ضد ستمگران.

با توجه به این فلسفه عزاداری امام حسین 7 مردم نه تنها از هرچه ظلم و جنایتی که در طول زندگی ایشان رخ داده است انزجار پیدا می‌کنند بلکه خودشان را برای مبارزه با ظلم و ستم آماده می‌کنند و در پی ایجاد و رشد عدالت قد علم می‌کنند و با توجه به این که اهداف امام زمان شباهت زیادی با اهداف امام حسین 7 دارد در جهت نصرت آن حضرت قدم برمی‌دارند و برای ظهور آن عدالت‌گستر دعا می‌کنند و زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم

---

۱. الامالی (للمفید)، مجلس 22، ص 175.

می‌کنند بنابراین عزاداری نه تنها وقایع گذشته را برای آینده‌گان زنده می‌کند بلکه جان تازه‌ای در فرهنگ و آیین آینده‌گان ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. مقاله عزاداری، رسانه پایدار شیعه، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ص 90.